

حفظ تمامیت سرزمینی کشور با اتکا به آیات قرآن کریم

سیدحسن موسوی^۱، ابراهیم یاقوتی^۲، سیدعلی پورمنوچهری^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۳/۲۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۴/۲۸)

چکیده

تقاضای مکرر تمامیت سرزمینی کشورها طی یکصد سال گذشته و همچنین سربرآوردن گروه‌های تجزیه طلب متعدد در دارای قومیت‌ها و مذاهب، موجب گردیده بررسی مبانی و منابع شریعت اسلامی در حفاظت از تمامیت سرزمینی، بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد. در این رابطه، اولین مرجع استنباط احکام، کتاب خداست. گرچه قرآن کریم در مورد مقابله با جدایی طلبان به طور مستقیم حکمی بیان نفرموده است؛ اما با ذکر آیاتی از جمله آیه ۱۰۳ از سوره آل عمران و بسیاری دیگر از آیات قرآن همچون آیه ۱۰۳ از سوره النساء، آیه ۴۳ سوره الانفال و بیشتر آیات سوره الحجرات، انسان‌ها و جوامع انسانی را به همگرایی، وحدت و اخوات و دوری از تفرقه فراخوانده است. این دلالت غیرمستقیم آیات قرآن کریم که ضمن محترم شمردن آزادی و برابری انسان‌ها ایشان را مکلف به حفظ اتحاد و وحدت در سایه تعالیم الهی می‌نماید، با روایات و سنن متعددی از معصومان علیهم‌السلام قرین گردیده است. این تحقیق می‌کوشد با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی نگاه آیات الهی قرآن کریم به موضوع حفاظت و حراست از تمامیت سرزمینی کشور را ارزیابی نماید.

کلید واژه‌ها: فقه حاکمیت، تمامیت سرزمینی، تجزیه طلبی، مرزبانی، جهاد.

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛
s.musavi@hotmail.com
۲. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسؤول)؛
yaghouti2010@yahoo.com
۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛
ali.poormanuchehri@yahoo.com

مقدمه

«سرزمین» از دیرباز تاکنون به عنوان مهمترین رکن قدرت سیاسی مورد توجه حکومت‌ها و عموم تجمعات انسانی بوده است؛ این مهم خصوصاً پس از دو جنگ جهانی در حدود یک قرن پیش از این و ظهور دولت - ملت‌ها برجستگی بیشتری در مناسبات بین‌المللی پیدا کرده و یکی از مهمترین ارکان تمایز تجمعات انسانی شده است. همین موضوع موجب شده قدرت‌ها همواره از «سرزمین» به عنوان یک اهرم قدرت استفاده نموده و برای تضعیف حاکمیت‌ها سرزمین و قلمرو ایشان را آماج اهداف خود قرار دهند.

کشور ایران با توجه به وجود چالش‌های متعدد نظیر رقباء منطقه‌ای و دشمنان بین‌المللی و همچنین اقوام و مذاهب گوناگون در کشور همواره با خطر هجوم بیگانگان از خارج و سربرآوردن گروه‌های تجزیه طلب از داخل کشور مواجه بوده و در تاریخ سیصدساله گذشته در موارد متعدد سرزمین‌های خود را به واسطه اقدامات موارد مذکور از دست داده است. علی‌ایحال فعالیت‌ها و اقدامات گروه‌های فوق‌الاشاره پس از انقلاب اسلامی افزایش چشمگیری داشته است.

این همه در حالی است که علیرغم تاکیدات مکرر مبانی فقهی و قانون اساسی مبنی بر حفاظت و حراست از تمامیت سرزمینی کشور، متأسفانه خلاء‌های متعددی در قوانین موضوعه جزایی خصوصاً در رابطه با گروه‌های تجزیه طلب و فعالین علیه تمامیت سرزمینی کشور وجود دارد و مع‌الاسف در طی چهار دهه گذشته پژوهش‌های جامع‌ی نیز در این زمینه صورت نگرفته است.

با التفات به اینکه اصل چهارم قانون اساسی کشور لازم دانسته که کلیه قوانین براساس موازین اسلامی باشد، در این زمینه نیز لازم است مبانی و ادله فقهی شریعت اسلام بررسی و مورد مذاقه قرار گیرد. در این میان قرآن کریم به عنوان پایه و مبنای علم فقه مطرح است و مخاطبان و مکلفان را متوجه تکالیف و وظایف خود می‌نماید. حضرت امیرالمومنین

علی علیه السلام می فرماید: «قرآن شامل امر و نهی است و احکام و سنت‌ها در آن مشخص شده و مثل‌ها در آن آمده است و احکام در آن تشریح شده تا مردم نسبت به حدود الهی عذری نداشته باشند و حجت بر آنها تمام باشد». (مجلسی، ۹۲/۲۶) و یا فرموده است: «کتاب خداوند در دسترس شماست، حلال و حرام آن پیداست و واجب و مستحب آن هویداست». (سیدرضی، ۲۰۳)

یژوهش پیش رو تلاش دارد ضمن واژگان‌شناسی و مفهوم‌شناسی قلمرو از منظر فقه و حقوق بین‌الملل، با التفات به جایگاه قرآن کریم به عنوان مهمترین ادله فقهی در میان تمام فرق اسلامی، اهمیت حفظ و حراست از سرزمین اسلامی را از طریق بررسی آیات شریفه قرآن مورد بررسی و کنکاش قرار دهد.

۱. مفهوم‌شناسی قلمرو و سرزمین

یکی از واژگان اصلی تحقیق پیش‌رو «تمامیت سرزمینی» است، تا آنجا که این عبارت در عنوان تحقیق ذکر شده و حفاظت و حراست از آن به عنوان موضوع اصلی تحقیق مورد مطالعه قرار گرفته است. تمامیت سرزمینی اصطلاحی مرکب از دو واژه است. «تمامیت» و «سرزمین». «تمامیت» را کل و تمام یک چیز معنا کرده‌اند. و «سرزمین» (معادل واژه انگلیسی Territory) در ادبیات فارسی به معنای ملک، مملکت، ناحیت، کشور، اقلیم، مرز و بوم را مرادف «قلمرو» گرفته‌اند. اصطلاح «تمامیت ارضی» یا «یکپارچگی سرزمینی» اصطلاحی متداول در حقوق بین‌الملل است که مبتنی بر اعمال حاکمیت یک دولت ملی در تمامی وسعت جغرافیایی خود و جلوگیری از فعالیت‌های جدایی‌خواهانه در وسعت حاکمیت خود است.

واژه «قلمرو» معادل فارسی extent، واژه‌ای فارسی است. این واژه، مرکب از دو بخش قلم و رو به عنوان ظرف مکان مورد استفاده قرار می‌گیرد. قلمرو یعنی «محل روان بودن قلم کسی». ناظم الاطباء قلمرو را این‌طور معنی کرده است: «ملکسی و ولایتی که در آن نوشته قلم پادشاهی یا امیری رود و مردم آنجا نوشته او را قبول نمایند» (نفیسی، ذیل واژه

قلمرو). علی‌اکبر دهخدا (۱۲۵۷-۱۳۳۴) قلمرو را معادل «ملک و مملکت و ولایت متصرف» دانسته و برای سخن خود این بیت از «محسن تاثیر» را شاهد آورده است:

«مجنون حریف شوق رسایم نمی‌شود دشت جنون قلمرو پایم نمی‌شود»

(دهخدا، زیرواژه قلمرو)

محمد معین (۱۲۹۷-۱۳۵۰) در فرهنگنامه مشهور خود قلمرو را «مملکت، حوزه فرمانروایی، حوزه عمل» معنی کرده است. (معین، زیرواژه قلمرو) در واقع مفهوم «قلمرو» در میان متخصصان زبان و ادبیات فارسی اجماعی است و احدی از ایشان معنای دیگری را بر این واژه بار ندانسته است.

۲-۱. مفهوم شناسی قلمرو در علم حقوق و جغرافیای سیاسی

همچنین در عرف عقلاء، قلمرو نشان دهنده محدوده مالکیت و حاکمیت یک واحد اجتماعی بر یک محدوده جغرافیایی در شکل زمین و منابع مادی آن است. از این رو واژه قلمرو ناظر به فضای محدود شده‌ای است که افراد و گروه‌ها از آن به عنوان محدوده اختصاصی استفاده و دفاع می‌کنند. (گروتز، ۴۷)

همچنین مفهوم قلمرو در حوزه رفتار انسان‌ها به سطحی از زمین اطلاق می‌شود که گروهی خاص یا موجودیتی سیاسی، مدعی مالکیت و حاکمیت بر آن است. بنابراین قلمروها نشان دهنده اعمال قدرت بر فضا هستند که در عالی‌ترین سطح در قالب کشورها سربرآورده‌اند. (کاوایانی‌راد، ۴۵/۴)

امروزه سرزمین یا قلمرو بخش جدایی ناپذیر در ساختار کشورها در قوانین بین‌المللی است. از این رو قلمرو کشور عبارت است از سرزمینی (اعم از زیرزمین، آب‌های داخلی و هم‌مرز، فضای هوایی و برخی منابع دریایی نزدیک سواحل این سرزمین) که حکومت مدعی مالکیت آن است و کشورهای دیگر نیز این ادعا را به رسمیت می‌شناسند. (بیگدلی، ۶۷-۶۸)

۱-۳. مفهوم شناسی «سرزمین» و «قلمرو» در فقه اسلامی

از آنجا که مفهوم قلمرو حکومت از عناوین مهم فقه سیاسی است، فقها و حقوقدانان اسلامی در طول قرون گذشته تا به امروز به بررسی پیرامون آن پرداخته‌اند. در این رابطه به نظر می‌رسد، قدیمی‌ترین متن فقهی مذهب تشیع در باب مفهوم قلمرو و انواع دسته‌بندی آن‌که تا کنون نیز از سوی فقهای معاصر معتبر شناخته می‌شود- مربوط به شیخ طوسی بوده و در کتاب «المبسوط» گرد آمده است. پس از ایشان نیز در کتب فقهی شیعی این مفهوم بارها مورد توجه واقع شده است. علامه حلی در تذکره الفقها و محمدحسن نجفی در جواهرالکلام از مفهوم قلمرو استفاده نموده و حدود شرعی آن را بیان کرده‌اند. در دوره معاصر نیز فقهای بزرگی چون علامه سیدمحمدحسین طباطبایی در تفسیر المیزان و آیه الله سیدمحمدباقر صدر در کتاب اقتصاد ما در تعریف «قلمرو» از شیخ طوسی پیروی نموده‌اند. شیخ طوسی و بیشتر فقهاء متقدم و متاخر، جهان را به دو سرزمین کلی «دارالاسلام» و «دارالکفر» تقسیم می‌کنند؛ و تعداد کمی از فقها در کنار این دو تقسیم بندی، دارالعهد^۱ یا دارالصلح، دارالهدنه^۲ و دارالحیاد^۳ را نیز اضافه کرده‌اند.

در این میان اولین فقیه شیعی که صراحتاً اقدام به طرح بحث سرزمین و قلمرو اسلامی نموده، شیخ طوسی است. ایشان در تعریف «دار» می‌نویسد: «اما دار بر دو نوع است: دارالاسلام و دارالحرب. دارالاسلام بر سه قسم است: ۱- سرزمینی که توسط مسلمانان و در زمان اسلام ساخته شده و مشرکان به آن راه نیافته‌اند، مانند بغداد و بصره. ۲- دارالکفری که مسلمانان بر آن غلبه یابند و آن را از طریق صلح به دست آورند و بر ساکنان آن جزیه تعیین نمایند. ۳- داری که متعلق به مسلمانان بوده باشد و مشرکان آن را تصرف کنند، مانند طرسوس. اما قسم دوم

۱. مفهومی عام است که شامل سرزمین‌هایی می‌شود که با دارالاسلام دارای معاهده می‌باشند. براین اساس، برخی دار الذمه، دار الأمان، دارالهدنه و دارالحیاد را از انواع آن می‌دانند.

۲. سرزمینی است که بین آن و دولت اسلامی متارکه جنگ برقرار بوده و طرفین به آتش‌بس متعهدند. ناگفته پیداست دارالهدنه، بخش یا تمام دارالکفر (یا دارالحرب) است که با دارالاسلام عقد هدنه را منعقد نموده است.

۳. دارالحیاد (دار الاعتزال) سرزمینی است که در روابط سیاسی و مناقشات بین دارالاسلام و دارالکفر کناره‌گیری نموده و سیاست عدم مداخله را درپیش گرفته است.

از انواع دار، دارالحرب است مانند روم». (طوسی، ۳۴۳)

علامه حلی نیز در این باره می‌فرماید: «دارالاسلام و دارالکفر. دارالاسلام را شافعیه به سه دسته تقسیم نموده‌اند: داری که مسلمانان آن را ایجاد کرده باشند، مانند بصره، کوفه و بغداد. داری که مسلمانان آن را فتح و تملک کرده باشند و برای اهل آن جزیه تعیین نموده باشند و یا آن را تملک نکرده باشند و براساس پیمان صلح برای اهل آن جزیه تعیین کنند که این قسم هم دارالاسلام است؛ چراکه حکم اسلام در آن جاری است و داری که مشرکان بر آن تسلط یابند مانند: طرسوس که متعلق به اسلام بوده است و مشرکان بر آن غلبه یافتند. اما نظر قوی‌تر این است که دارالاسلام دو نوع است: داری که مسلمانان ایجاد کرده‌اند، مانند: بغداد و داری که مسلمانان آن را فتح نموده باشند، مثل مداین و شام (اسدی حلی، [بی‌تا]، ۲۷۵)

به نظر می‌رسد مرحوم شهید اول برای نخستین بار تفکیک «دارالاسلام» از «دارالکفر» را مستلزم وجود معیارهای عملی و حاکمیتی دانسته است. ایشان می‌فرماید: «منظور از دارالاسلام؛ ۱- سرزمینی است که احکام اسلام در آن اجرا می‌شود و کفار در آن به صورت معاهد زندگی می‌کنند و ۲- دارالکفری که در آن احکام اسلام جاریست. اما دارالکفر سرزمینی است که احکام کفار در آن اجرا می‌شود. مرحوم شهید، ملاک امکان «اجرای احکام اسلامی توسط مسلمانان» را انتخاب نموده است و حتی دارالکفری که در آن مسلمانان در اجرای احکام اسلام آزادند را دارالاسلام نامیده است (عاملی، ۷۸). البته شاید بتوان گفت ایشان علاوه بر این معیار، ملاک برپایی حکومت را پذیرفته‌اند؛ چراکه در مورد همه موارد ابتدا براساس نوع حکومت بدان سرزمین اطلاق دارالاسلام یا دارالکفر نموده‌اند و سپس امکان اجرای احکام را در نظر گرفته‌اند؛ و یا امکان اجرای احکام اسلامی را در معنای اعم آن یعنی حاکمیت مسلمانان به‌کار گرفته‌اند. (عمید زنجانی و کرمی، ۲۷)

ملاحسن فیض کاشانی نیز همان تعابیر شهید اول را در تعریف دارالاسلام به کار برده است: «دارالاسلام ای التی ینفذ فیها احکامه». (فیض کاشانی، ۲۳۳) فقهای معاصر نیز فارغ

از تعریف ایشان از «دارالاسلام» و معیارهایی که برای احراز آن در نظر می‌گیرند عموماً سرزمین و قلمرو اسلامی را بر اساس عقیده اسلامی در نظر گرفته و مرزبندی‌های معاصر بر اساس دولت - ملت‌های نوین را نادیده انگاشته‌اند.

آیه الله بروجردی در بحث لقطه و در تفسیر این قسمت از حدیث امام علیه السلام مبنی بر «إذا كان الغالب عليها المسلمین» (طوسی، ۳۶۸)، غلبه مسلمین را در برقراری حکومت و ریاست مسلمین بر آن سرزمین دانسته‌اند و دارالاسلام را این‌گونه تعریف نموده‌اند: «أرض الاسلام ای الارض التي تكون تحت رئاسة الاسلام و حكومة المسلمین فی مقابل أرض الكفر و دار الحرب» (طباطبائی بروجردی، ۳۰۱).

ظاهر روایات مطرح شده و نظرات فقهای شیعه این است که مفهوم دارالاسلام مبتنی بر تعداد جمعیت نیست؛ بلکه وابسته به برپایی حکومت و اقتدار مسلمین است، حتی اگر حکومت مسلمانان حکومت امام معصوم و یا امام عادل نباشد.

۲- بررسی آیات قرآن کریم با محوریت حفاظت از تمامیت سرزمینی دارالاسلام

گرچه قرآن کریم در مورد حفاظت از تمامیت سرزمینی به‌طور مستقیم حکمی بیان نفرموده است؛ اما با ذکر آیاتی از جمله آیه ۱۰۳ از سوره آل عمران و بسیاری دیگر از آیات قرآن همچون آیه ۱۰۳ از سوره النساء، آیه ۴۳ سوره الانفال و بیشتر آیات سوره الحجرات، انسان‌ها و جوامع انسانی را به همگرایی، وحدت، اخوت و دوری از تفرقه فراخوانده است. به حکم قرآن کریم گروه‌های انسانی هرچند با تنوع زبانی و نژادی،

وظیفه دارند با همبستگی با یکدیگر از احکام الهی تبعیت کنند. این دلالت غیرمستقیم آیات شریفه قرآن کریم که ضمن محترم شمردن آزادی و برابری انسان‌ها ایشان را مکلف به حفظ اتحاد و وحدت در سایه تعالیم الهی می‌نماید، با روایات و سنن متعددی از معصومین علیهم السلام تحکیم گردیده است. در این میان ضمن بررسی سه دسته از آیات موضوعی کتاب‌الله با محوریت «آیات مرتبط با حفظ وحدت اجتماعی و جلوگیری از تسلط کفار»،

«آیات مرتبط با مرزبانی و حفظ نغور و سرزمین اسلامی» و «عموم آیاتی که مرتبط با وجوب جهاد و قتال با کفار» تلاش گردیده که نگاه شارع مقدس به حراست از تمامیت سرزمینی دارالاسلام و حکومت اسلامی تبیین کرد.

جدول آیات مرتبط با حفظ تمامیت سرزمینی

ردیف	آیه	سوره	مفهوم مورد برداشت از آیه شریفه
۱	۱۰۳-۱۰۵	آل عمران	همزیستی مشترک و وحدت در برابر کفار
۲	۱۴۱	النساء	نفی تسلط و برتری کفار، لزوم جلوگیری از آن
۳	۲۰۰	آل عمران	حفظ مرزها و نغور دارالاسلام از هجوم کفار و دشمنان
۴	۶۰	الانفال	لزوم آمادگی و هشیاری برای دفاع از سرزمین‌ها اسلامی
۵	۱۹۰	البقره	جهاد دفاعی؛ وجوب جهاد با مهاجمین و کفار
۶	۲۵۱	البقره	لزوم جهاد با کفار برای جلوگیری از فساد ایشان
۷	۴۰	الحج	لزوم جهاد با کفار برای جلوگیری از فساد ایشان
۸	۱۲۳	التوبه	لزوم جهاد با کفار برای جلوگیری از فساد ایشان
۹	۱۹۳	البقره	لزوم جهاد با کفار برای جلوگیری از فساد ایشان

۲-۱. آیات مرتبط با حفظ وحدت اجتماعی و جلوگیری از تسلط کفار

۲-۱-۱. آیه شریفه ۱۰۳ و ۱۰۵ از سوره مبارکه آل عمران

متن و ترجمه آیه:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»

همچنین در آیه ۱۰۵ از این سوره می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ

مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»

«و همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راه‌های متفرق نروید، و به یاد آرید این

نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت

و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید؛ و در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد. بدینگونه خدا آیاتش را برای (راهنمایی) شما بیان می‌کند، باشد که هدایت شوید». و در آیه ۱۰۵ می‌فرماید: «و شما مسلمانان مانند مللی نباشید که پس از آنکه آیات روشن برای (هدایت) آنها آمد راه تفرقه و اختلاف پیمودند، که البته برای آنها عذاب بزرگ خواهد بود».

۲-۱-۱-۱. سبب نزول آیه

آیات یکصد و دوم تا یکصد و پنجم سوره مبارکه «آل عمران» در پی تجدید اختلاف دو قبیله اوس و خزرج نازل شد. اختلافات اوس و خزرج که توسط پیامبر گرامی اسلام ﷺ خاموش شده بود، در برخی موارد توسط یهودیان و یا دوستان نادان ایشان و با تحریک تعصب‌های جاهلانه، شعله‌ور می‌شد. پیش از نزول آیات مذکور، دو تن از اهالی این دو قبیله افتخارات قبیله یکدیگر را به رخ هم می‌کشیدند، که کار بالا گرفت و با اطلاع اهالی قبایل، ایشان دست به سلاح بردند و قصد داشتند جنگی دیگر را آغاز کنند که این آیات ایشان را به اتحاد و دوری از تفرقه فراخواند. (محقق، ذیل آیه)

۲-۱-۱-۲. مفاد آیه شریفه و ارتباط آن با حفظ تمامیت سرزمینی

وفق آیات شریفه ۱۰۳ الی ۱۰۵ سوره مبارکه آل عمران و بسیاری دیگر از آیات قرآن همچون آیه شریفه ۱۰۳ از سوره النساء، آیه ۴۳ سوره الانفال و بیشتر آیات سوره مبارکه الحجرات مسلمانان، موظف هستند با اختلافات قومی و زبانی و احیاناً اختلاف رأی در فروع فقهی و در روش‌های عملی و یا در فهم کتاب و سنت و گرایش‌های سیاسی، وحدت خود را حفظ کنند و هیچگاه این قبیل اختلافات که وجود آن، امری طبیعی است آنان را متفرق نکند و به درگیری و جنگ با یکدیگر وادار ننماید.

بی‌شک یکی از اموری که موجب فراموشی وحدت اسلامی و فرقه فرقه شدن گروه‌های

اجتماعی می‌شود، تاکید بر مسائلی همچون نژاد و زبان است. این امور که در کلیت خود به «قوم‌گرایی» شهرت دارد، با ترجیح و اولویت دادن به مسائل فرعی و کنار گذاشتن مسائل اصلی همچون ایدئولوژی اسلامی و پیمودن راه سعادت بشری، عملاً جوامع را فشل و ناکارآمد می‌کند.

واضح است که از گذشته تاکنون یکی از راه‌های سیطره‌ی کفار بر مسلمانان، ایجاد تفرقه و شکاف در بنیان مرصوص امت واحده‌ی اسلامی بوده و امروز با کوله‌باری از تجربه‌های شوم استکباری، دشمنان دین در پی راهیابی در صفوف مسلمانان هستند و با مطرح کردن مسائل تفرقه‌برانگیز همچون قوم‌گرایی و ناسیونالیسم، سعی دارند با فشل کردن و پراکنده‌نمودن مسلمانان و تضعیف قدرت عظیم وحدت مسلمین، راه سلطه‌ی خویش را هموار نمایند.

آیات شریفه قرآن کریم که به «حفظ وحدت» اشاره دارند، در تمام سطوح و ساحات بشری این مفهوم را دنبال می‌کنند. حفظ وحدت در میان اقوام و مذهب تنها یکی از اشکال بی‌شمار آن است. بی‌شک یکی از سطوح اعلا‌ی حفظ اتحاد و وحدت در جامعه اسلامی حفظ اتحاد در درون حاکمیت و سرزمین اسلامی است. دشمنان جامعه اسلامی می‌کوشند در اول گام، دست به تجزیه و تکه تکه کردن سرزمین اسلامی زده و سپس با هجوم نظامی و مسلحانه، اقدام به محو آن نمایند.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیات و در بحث مفصلی با عنوان «تغر المملکه الاسلامیه» می‌نویسد: «اسلام اصل انشعابات قومی و ملی را بدین صورت که مؤثر در تکوین و پیدایش اجتماع باشد ملغی ساخته است. انشعابات و ملیت‌هایی که بر اساس «وطن» تشکیل می‌گردند ملت و مجموعه خود را به سوی وحدت و یگانگی (درون‌کشوری) حرکت می‌دهند و در نتیجه این ملت از ملت‌های دیگر که در وطن‌های دیگر قرار دارند روحاً و جسماً جدا می‌گردد و با این ترتیب، انسانیت از وحدت و تجمع دوری گزیده و مبتلا به تفرق و تشتت‌ی که فطرت انسانیش از آن فرار می‌نموده می‌گردد. در این صورت برخورد یک جامعه جدید با دیگر جوامع به گونه‌ای نظیر برخورد انسان با

سایر اشیاء و موجودات، طبیعی است که آنان را به استخدام می‌گیرد، استثمار می‌کند و... . تجربه قرن‌های طولانی از آغاز خلقت، تا کنون به این حقیقت گواهی می‌دهد. به همین دلیل است که «اسلام» این قبیل انشعابات و تمیزات را ملغی ساخته و اجتماع انسانی را بر اساس عقیده و نه نژاد و وطن و نظایر آن پایه‌ریزی نموده است. (طباطبایی، ۱۲۵/۴-۱۲۶)

۲-۱-۲. آیه شریفه ۱۴۱ از سوره مبارکه النساء

متن و ترجمه آیه

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»

«آنان که همواره حوادثی را برای شما انتظار می‌برند، اگر از سوی خدا برایتان فتح و پیروزی رسد، می‌گویند: مگر ما با شما [در میدان جنگ] نبودیم؟ [پس سهم ما را از غنائم جنگی بپردازید.] و اگر برای کافران بهره‌ای اندک [از غلبه و پیروزی] باشد، به آنان می‌گویند: آیا [ما که در میان ارتش اسلام بودیم] بر شما چیره و مسلط نبودیم؟ [ولی دیدید که از ضربه زدن به شما خودداری کردیم] و شما را [از آسیب و زیان مؤمنان] مانع می‌شدیم [پس سهم غنیمت ما را بدهید.] خدا روز قیامت میان شما داوری می‌کند؛ و خدا هرگز هیچ راه سلطه‌ای به سود کافران بر ضد مؤمنان قرار نداده است.»

۲-۱-۲-۱. سبب نزول آیه

این آیه درباره «عبدالله ابن ابی» سرکرده منافقان و یاران او نازل شده است که در غزوه احد با پیامبر همراه نشده و مترصد بودند که هرگاه پیامبر ﷺ در جنگ پیروز می‌شد، خود را به مسلمین رسانیده و به آنها بگویند: مگر ما با شما همراه نبودیم؟ و هرگاه کفار پیروزی کسب می‌کردند، آنها را خطاب کرده که مگر ما شما را از احوال مسلمانان باخبر نمی‌کردیم؟ (محقق، ۲۵۵ و قمی، ۱۵۶/۱-۱۵۷)

۲-۲-۱-۲. مفاد آیه شریفه

این آیه با خطاب قرار دادن مؤمنان طی حکمی نهایی و غیرقابل تغییر و تبدیل، هرگونه تسلط و برتری و قدرت و غلبه و استیلای کافران بر مسلمانان را نفی کرده و برتری مؤمنان بر کافران را اعلام می‌کند. برخی با استفاده از این آیه به عدم تسلط حقوقی کافران بر مؤمنان نیز حکم کرده‌اند. علامه طباطبایی معتقد است، هرگز حکم برتری مؤمنان بر کافران به عکس نخواهد شد و با استناد به این حکم، در نهایت فتح و پیروزی در همه دوره‌ها از آن مؤمنان خواهد بود. (طباطبایی، ۱۱۶/۵)

طبق برداشت از آیه، مؤمنان نیز حق پذیرفتن سلطه کافران را ندارند و هرگونه عهدنامه یا تفاهم که راه نفوذ کفار بر مسلمانان را باز کند، حرام شمرده شده است و مؤمنان وظیفه دارند تا با آن مقابله نمایند؛ البته برخی با توجه به روایات، کسب آموزش و تبادلات فرهنگی و اقتصادی با کافران غیر سلطه‌جو که سبب سلطه کفار و ذلت مؤمنان نباشد، را جایز دانسته‌اند.^۱ (قرائتی، ۱۹۱/۲ و رضایی اصفهانی، ۳۴۲/۴)

جمله انتهایی آیه شریفه ۱۴۱ سوره مبارکه النساء: «... وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» به عنوان منبع و مدرک اصلی قاعده «نفی سبیل» مطرح است. این جمله هرگونه مسیر تسلطی بر مومنان از سوی کفار در سطوح مختلف را بسته می‌داند. در این خصوص یکی از محققان می‌نویسد: «خداوند متعال در این آیه شریفه که همچون دیگر آیات سوره مبارکه النساء در مدینه بر پیامبر ﷺ نازل شده است، می‌فرماید؛ در عالم تشریح هیچ‌گونه حکمی که موجب استیلا، سلطه و سلطنت کفار بر مومنین و مسلمین باشد وجود ندارد و تشریح و جعل نیز نشده است. این حکم چه در باب عبادات، چه در باب معاملات و چه در سیاست، جعل نشده است و بنابراین، هرگونه حکمی که از ناحیه آن حکم، موجبی برای علو و سلطنت کافر بر مسلم باشد به مقتضای این آیه شریفه از صفحه تشریح مرفوع است». (موسوی بجنوردی، ۲۶۰/۲) لکن باید توجه داشت که مقام بیان

۱. نک: ویکی شیعه، دانشنامه مجازی مکتب اهل بیت، زیرشناسه آیه نفی سبیل.

شارع در آیه شریفه مقام تشریحی است نه تکوینی؛ به این معنی که شارع مقدس در پی تشریح قانون و حکمی جامع و حاکم بر جامعه مسلمین بوده لکن در مقام تکوین، علو جامعه مسلمین بر کفار بسته به اقدام و عمل عموم مسلمین است.

۲-۱-۲-۳. ارتباط آیه با حفظ تمامیت سرزمینی

یکی از مبانی و قواعد مشهور فقهی اسلام که بر آن ادعای اجماع نیز شده است و کاربرد زیادی در فروع احکام، عبادات و معاملات دارد، قاعده «نفی سبیل» است و بر هر حکمی که باعث برتری کافر بر مسلمان شود، مقدم است. فقیهان در مسائل مختلف فقهی، برای استفاده از این قاعده، به این آیه استناد کرده‌اند. (جعفری، ۵۹۸/۲)

براساس این قاعده در فقه، احکامی چون عدم ارث بردن کافر از مؤمن، عدم فروش برده مسلمان به کافر، و عدم ولایت جد کافر بر کودکان صغیر مسلمان، بطلان ازدواج زن مسلمان با کافر، نفی وکیل شدن مسلمان برای کافر ذمی بر ضرر مسلمان و دیگر موضوعات فقهی صادر شده است.

تفسیر نمونه از قرآن کریم، جمله پایانی این آیه شریفه از قرآن کریم را دلیل بسته شدن هر راهی بر کفار می‌داند که بخواهند تسلطی بر مومنین بیابند. این جمله اعم است از تسلط نظامی، سیاسی، فرهنگی و عقیدتی و... کفار.

با توجه به شواهد علمی موجود در تفسیر آیه شریفه، اولاً که حکم این آیه بر عدم تشریح و جواز تسلط کفار بر مومنین، اجماعی است. ثانیاً حکم صادره به عنوان قاعده پذیرفته شده و در سطوح و ساحات گوناگون حاکم است. علی‌ایحال و با توجه به اینکه در حال حاضر دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی می‌کوشند از طرق مختلف حاکمیت کشور (که طبق ضوابط مطروحه دارالاسلام است) را تضعیف کنند و در این رابطه از گروه‌های تکفیری، نفاق، سلطنت‌طلب، قوم‌گرا و... بهره‌برداری می‌کنند. یکی از فعالیت‌های قابل توجه دشمنان انقلاب اسلامی بهره‌برداری از گروهک‌های تجزیه‌طلب قومی و مذهبی است.

ایشان می‌کوشند با تحریک احساسات و عواطف قومی و غلبه دادن گرایش‌های ناسیونالیستی و شوونیستی بر روح تعالیم اسلامی موجب تشتت و چندپارگی عموم مسلمین و همچنین سرزمین اسلامی را فراهم آورند. بنابراین به نظر می‌رسد یکی از مواد اصلی که آیه شریفه ۱۴۱ سوره لہنساء شامل آن می‌گردد جلوگیری از تسلط کفار بر تمامیت سرزمینی اسلام است.

۲-۲. آیات مرتبط با مرزبانی و حفظ ثغور و سرزمین اسلامی

۲-۲-۱. آیه ۲۰۰ از سوره مبارکه آل عمران

متن و ترجمه آیه:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

«ای اهل ایمان، صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن بوده و خداترس باشید، باشد که فیروز و رستگار گردید.»

۲-۲-۱-۱. سبب نزول آیه

در خصوص سبب نزول آیه شریفه ۲۰۰ از سوره آل عمران که از آیات مدنی است، روایات مختلفی از ائمه معصومین علیهم‌السلام رسیده است:

- «محمد بن ابراهیم النعمانی» بعد از هفت واسطه از امام محمدباقر علیه‌السلام و ایشان از پدر بزرگوارش امام علی بن الحسین علیه‌السلام روایت کند که عبدالله بن عباس کسی نزد امام فرستاد تا درباره این آیه از او سؤال کند. امام زین العابدین علیه‌السلام در خشم شد و به شخص سائل فرمود: خیلی میل داشتم با آن کسی که تو را به این منظور فرستاده مواجه می‌شدم تا به خودش می‌گفتم. سپس فرمود: این آیه درباره ما اهل بیت علیهم‌السلام و پدرم نازل شده است و از این به بعد دشمنی که باید از او خویشتن را محفوظ بداریم جز از نسل او نمی‌تواند باشد. (منظور امام خلفاء بنی‌عباس بوده‌اند که از نسل عبدالله بن عباس بوده و نسبت به آل محمد و ائمه

اطهار بیت دشمنی فراوان ابراز داشتند (بحرانی، ۲۱۴/۳)

۲-۱-۲-۲. مفاد آیه

آیه شریفه ۲۰۰ سوره آل عمران می‌فرماید: «بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در مقابل مشکلات و هوسها) شکیبیا باشید استقامت کنید و در برابر دشمنان نیز پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید. و از خدا بترسید تا رستگار شوید.

این آیه شریفه که آخرین آیه از سوره مبارکه آل عمران است، پس از ترسیم وضعیت دو گروه مؤمن و کافر، که از آیات ۱۹۶ شروع می‌شود و تا ۱۹۹ ادامه دارد، مؤمنان را مخاطب قرار داده و سه عامل موفقیت آنان را به این شرح بیان می‌کند و در قالب صیغه امر به آنان فرمان می‌دهد و آنان را به شکیبایی بر انجام وظایف و جهاد در راه حق و عدالت فرا می‌خواند:

۱. «اصبروا» یعنی شکیبایی پیشه سازید در بدوش کشیدن بار مسئولیت‌ها.

۲. «صابروا» در برابر فشارها پایداری ورزید.

۳. «رابطوا» مرزها را نگهداری کنید. (طبرسی، ۶۷۱/۱).

واژه رباط در اصل به معنای نسبت و وصل کردن است اما در مورد آنان که در دژی پناه می‌گیرند و از ورود دشمن به درون آن سرسختانه جلوگیری می‌کنند نیز بکار می‌رود و همانطور که پیش از این در فصل ابتدایی تحقیق بحث شد، «رباط» به مفهوم آماده ساختن و به صف کردن اسب‌ها برای رویارویی با دشمن نیز، بکار رفته است. (همانجا، ۶۷۹/۱).

در تفسیر این آیه شریفه دیدگاه‌های متفاوت وجود دارد که در ذیل به اهم آنها اشاره می‌شود: مرحوم بحرانی در این رابطه می‌نویسد: «ای ایمان آورندگان در دین و آیین آسمانی خویش، ثابت قدم باشید و در برابر کفرگرایان و بیداد پیشگان پایداری ورزید و در برابر تجاوز و تهاجم آنان در راه خدا پیکار کنید».

معنا و مفهوم آیه شریفه بیانگر این نکته است که در انجام وظایف و پرهیز از گناه و در جهاد بر ضد دشمن، صبور و پایدار باشید.

گفتنی است که دو واژه صابروا و رابطوا از باب مفاعله‌اند و بکار رفتن آنها در آیه نشانگر این نکته ظریف است که شما نیز باید همانند آنان که در باطن خویش پایداری می‌ورزند و نیرو و امکانات فراهم می‌آورند تا در راه حق و عدالت با قدرت و قوت بیشتر رویاروی آنان بایستند، عمل کنید درست همان‌گونه که در آیه ۶۰ سوره الانفال به این واقعیت تصریح شده است (بحرانی، ۲۴۶/۳)

آقای قرائتی در تفسیر نور آیه کریمه ۲۰۰ از سوره آل عمران را اینگونه شرح می‌دهد: «این آیه صبر در برابر انواع حوادث و مصائب را در سه مرحله توصیه می‌کند:

«در مرحله اول در برابر ناگواری‌های شخصی و هوس‌ها صبر کنید: «صابروا».

«در مرحله دوم در برابر فشارهای کفار مقاومت بیشتر کنید: «صابروا».

«و در مرحله سوم حفظ مرزهای جغرافیایی از هجوم دشمن، حفظ مرزهای اعتقادی و فکری، از طریق مباحث علمی و حفظ مرز دلها، از هجوم وسوسه‌ها بکشید: «ورابطوا».

(قرائتی، ۲۳۲/۲)

همچنین در تفسیر نور در ذیل آیه و در پیام‌های استخراج شده آورده شده است که اگر کفار در کفر خود مقاومت می‌کنند، کشته می‌دهند و مال خرج می‌کند، شما نیز باید در راه خدا با جان و مال پایداری کنید و همچنین در خصوص اهمیت حفاظت از مرزها همین بس که صبر و تقوی در کنار توجه به مرزها بیان شده است. صبروا و صابروا و رابطوا (همانجا، ۲۳۴/۲).

همچنین در تفسیر المیزان ذیل این آیه و در تفسیر کلمه رابطوا آمده است «مربطه» از نظر معنا اعم از مصابره است، چون مصابره یعنی اتحاد و پیوستن نیروها در برابر شدائد. اما مربوطه یعنی پیوستن همه نیروها و همه کارها بر جمع ستون اجتماعی دینی، چه در حال شدت و چه در حال خوشی و مراد از مربوطه این است که جامعه به سعادت حقیقی دنیوی و اخروی خود برسد. (طباطبائی، ۲۳۱/۱).

در تفسیر شریف نمونه مطالب بسیار مفصل و دقیقی در تفسیر این آیه و در خصوص مسئله مرزبانی بیان شده است. تفسیر نمونه چنین بیان می‌کند که این آخرین آیه سوره آل عمران و محتوی یک برنامه جامع چهارماده‌ای برای مسلمین به شرح زیر می‌باشد.

نخست روی سخن را به همه مؤمنان کرده و به اولین ماده این برنامه اشاره می‌کند و می‌فرماید: «یا ایها الذین امنوا اصبروا»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید در برابر حوادث ایستادگی کنید».

صبر و استقامت در برابر مشکلات، هوس‌ها و حوادث در حقیقت ریشه اصلی هرگونه پیروزی مادی و معنوی را تشکیل می‌دهد تا جائی که درباره نقش و اهمیت آن در پیشرفت‌های فردی و اجتماعی آنرا به منزله سر در برابر بدن معرفی کرده است الصبر من الایمان کالرأس من الجسد. در مرحله دوم به افراد با ایمان دستور استقامت در برابر دشمن می‌دهد و می‌فرماید «وصابروا» و صابروا، از مصابره از باب مفاعله به معنای صبر و استقامت در برابر دیگران است.

بنابراین قرآن نخست به افراد با ایمان دستور استقامت می‌دهد (که هرگونه جهاد با نفس و مشکلات زندگی را شامل می‌شود) و در مرحله دوم دستور به استقامت در برابر دشمن می‌دهد و این خود می‌رساند که تا ملتی در جهاد با نفس و اصلاح نقاط ضعف درونی پیروز نشود پیروزی او بر دشمن ممکن نیست و بیشتر شکست‌های ما در برابر دشمنان بخاطر شکستی است که در جهاد با نفس و اصلاح نقاط ضعف خود دامنگیر ما شده است. هم چنین بدین معناست که هر قدر دشمن بر استقامت خود بیافزاید ما نیز بر پایداری و استقامت خود بیفزاییم.

در جمله بعد (رابطوا) به مسلمانان دستور آماده‌باش در برابر دشمن و مراقبت دائم از مرزها و سرحدات کشورهای اسلامی می‌دهد و می‌فرماید «از مرزهای خود مراقبت بعمل آورید» این دستور بخاطر آن است که مسلمانان هرگز گرفتار حملات غافلگیرانه دشمن نشوند و نیز به آنها دستور آماده‌باش و مراقبت همیشگی در برابر حملات شیطان و

هوس‌های سرکش می‌دهد، تا غافلگیر نگردند. در بعضی از روایات از حضرت علی علیه السلام این جمله به مواظبت و انتظار نمازها یکی بعد از دیگری تفسیر شده است زیرا کسی که با عبادت مستمر و پی‌درپی دل و جان خود را بیدار می‌دارد همچون سربازی است که در برابر دشمن حالت آماده‌باش به خود گرفته است.

جمله «رابطوا» از ماده ربط گرفته شده و آن در اصل به معنی بستن چیزی در مکانی است. (مانند بستن اسب در یک محل) و به همین جهت به کاروان‌سرا، رباط گویند و «ربط‌القلب» به معنی آرامش دل و سکون خاطر است؛ گویا به محلی بسته شده است و مربوط به معنی مراقبت از مرزها آمده است؛ زیرا سربازان و مرکب‌ها و وسایل جنگی را در آن محل نگهداری می‌کنند.

خلاصه آنکه «مربطه» معنای وسیعی دارد که هرگونه آمادگی برای دفاع از خود و جامعه را شامل می‌شود. در فقه اسلامی نیز در باب جهاد بحثی تحت عنوان «مربطه» یعنی آمادگی برای حفظ مرزها در برابر هجوم احتمالی دشمن دیده می‌شود که احکام خاصی برای آن بیان شده است (مکارم شیرازی، ۳/۲۵۵-۲۶۶)

۲-۲-۱. ارتباط مفاد آیه با حفظ تمامیت سرزمینی

دستور مستقیم این آیه شریفه به مرزبانی و رباط از سرزمین‌های اسلامی، در ضمیر خود دستور حفظ تمامیت سرزمینی و جغرافیایی سرزمین اسلامی را دارد. چرا که مرزها و ثغور سرزمین اسلامی تنها لایه بیرونی و راه نفوذ به سرزمین‌های دارالاسلام‌اند. و حفظ مرزها و دیدبانی از آن به معنی حفظ سرزمین‌های اسلامی و تمامیت ارضی آن سرزمین است.

۲-۲-۲. آیه ۶۰ از سوره انفال

متن و ترجمه آیه

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُّوا اللَّهَ وَعَدُّوكُمْ وَأَخْرَيْنَ مِنْ

دُونِهِمْ لَأَنْتُمْ أَعْلَمُ بِاللَّهِ يَوْمَ تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَوْمَ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ»

«و شما (ای مؤمنان) در مقام مبارزه با آن کافران خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از آذوقه و تسلیحات و آلات جنگی و اسبان سواری زمین کرده برای تهدید و تخویف دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم سازید و نیز برای قوم دیگری که شما بر دشمنی) آنان مطلع نیستید (مراد منافقانند که ظاهراً مسلم و باطنا کافر محض اند) و خدا بر آنها آگاه است. و آنچه در راه خدا صرف می‌کنید خدا تمام و کامل به شما عوض خواهد داد و هرگز به شما ستم نخواهد شد.»

۲-۲-۱. مفاد آیه شریفه

آنچه که از این آیه برداشت می‌شود لزوم حداکثری توان دفاعی در برابر تهاجمات احتمالی دشمنان است و این وظیفه احاد امت اسلامی است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید «دشمن منافع یک جامعه اسلامی، دشمن منافع تمامی افراد است، و بر همه افراد است که قیام نموده و دشمن را از خود و از منافع خود دفع کنند، و باید برای چنین روزی نیرو و اسلحه زیر سر داشته باشند، تا بتوانند منافع خود را از خطر دست برد دشمن نگه‌دارند، گو اینکه پاره‌ای از ذخیره‌های دفاعی هست که تهیه آن جز از عهده حکومت‌ها بر نمی‌آید، ولیکن پاره‌ای دیگر هم هست که مسئول تهیه آن خود افرادند، چون حکومت هر قدر هم نیرومند و دارای امکانات زیادی باشد به افراد مردم محتاج است، پس مردم به اندازه خود باید قبلاً فنون جنگی را آموخته و خود را برای روز مبادا آماده کنند. پس تکلیف «و اعدوا»، تکلیف به همه است. (طباطبائی، ۱۵۱/۹) از آنجا که تهاجم دشمن همواره از طریق مرز انجام می‌شود لزوم این آمادگی در مرزها بیش از سایر نقاط کشور می‌باشد. جمع‌آوری تجهیزات و ادوات نظامی به دو منظور انجام می‌شود:

◀ بالابردن قدرت دفاعی کشور.

◀ ترساندن دشمن و پایین آوردن احتمال حمله آن.

مرحوم علامه طباطبایی در ادامه تفسیر آیه «تَرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» می‌نویسد این قسمت از آیه شریفه در مقام بیان تعلیل جمله «وَ أَعْدُوا لَهُمْ» است و معنایش این است که این قوا و امکانات دفاعی را تدارک ببینید تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خود را ترسانیده و از آنان زهرچشم گرفته باشید، و اگر دشمن دین را هم دشمن خدا و هم دشمن ایشان خواند برای این بود که هم واقع را بیان کرده باشد و هم این‌که ایشان را تحریک نموده باشد» (همانجا، ۱۶۰/۹). در واقع همین دو نکته، یعنی بالا بردن قدرت دفاعی کشور و ترساندن دشمن و پایین آوردن احتمال حمله آن، اشاره به مرزبانی و رابطه از ثغور مسلمین دارد.

۲-۳. عموم آیات مرتبط با وجوب جهاد و قتال با کفار

این آیات که برخی جوانب و احکام جهاد ابتدایی و دفاعی روشن نموده و برخی دیگر به فلسفه و چرایی وجوب جهاد پرداخته‌اند، دلایل مختلفی را برای جهاد برشمرده و بر مبنای آن احکامی صادر نموده‌اند.

برخی از آیات شریفه دلیل جهاد و قتال با دشمنان را جلوگیری از ناامنی و برطرف نمودن خطر عنوان نموده‌اند. برخی دیگر برطرف کردن فساد از روی زمین را دلیل جهاد عنوان نموده‌اند. دیگر آیات برطرف کردن هر نوع فتنه از روی زمین را دلیل جهاد دانسته‌اند. هر یک از آیات شریفه که در این زمینه به بیان فلسفه چرایی جهاد پرداخته‌اند، به نحوی بر احکام حفاظت و حراست از ثغور سرزمین‌های اسلامی صحنه گذاشته و بنیان آن احکام را تقویت نموده‌اند. برخی از آیات شریفه در این رابطه عبارت‌اند از:

۲-۳-۱. آیه ۱۹۰ از سوره البقره

متن و ترجمه آیه

«وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يِقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»

«در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، قتال^۱ کنید و از حدّ تجاوز نکنید که خداوند متجاوزین را دوست نمی‌دارد».

۲-۳-۱-۱. سبب نزول آیه

آیه شریفه ۱۹۰ از سوره البقره در مدینه بر پیامبر اعظم نازل گردیده و طبق نقل از ابن عباس گفته‌اند که آیه مزبور در صلح حدیبیه نازل شده است. بدین شرح که پیامبر با اصحاب خود که در حدود هزار و چهارصد نفر بودند به قصد عمره خواستند وارد مکه شوند که در حدیبیه مشرکین مانع شدند. ایشان با مشرکین چنین صلح نمودند که آن سال را وارد نشوند و سال بعد بیایند. سال بعد پیامبر با تجهیز کامل با اصحاب خود حرکت کردند که عمره قضا را بجای آورند ولی خوف داشتند که مشرکین به عهد خود وفا نکرده و مجدداً مانع ورود آنها بشوند و در نتیجه کار به جنگ رسد. البته در عین حال رسول خدا ﷺ از جنگ در ماه حرام کراهت داشت تا این که این آیه نازل گردید.

برخی از مفسران نیز معتقدند که این آیه نخستین آیه‌ای است که درباره قتال و نبرد و نازل شده و پس از نزول این آیه پیامبر با کسانی که قصد جنگ داشتند، جنگ می‌نمود و با کسانی که از جنگ کردن خودداری می‌کردند؛ جنگ نمی‌کرد تا این که آیه «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» نازل گردید و این آیه را نسخ نمود. (محقق، ۶۱)

۲-۳-۱-۲. مفاد آیه شریفه و ارتباط آن با حفظ تمامیت سرزمینی

خداوند در آیه ۱۹۰ سوره مبارکه البقره صراحتاً دستور به جهاد دفاعی فرموده است. فقها معتقدند یکی از اولین آیات قرآن در رابطه با مجوز و دستور جهاد همین آیه است که می‌فرماید: «وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَاقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»

۱. قتال به معنای آن است که شخصی قصد کشتن کسی کند، که او قصد کشتن وی را دارد و در راه خدا بودن این عمل به این است که غرض عامل، اقامه‌ی دین و اعلا‌ی کلمه‌ی توحید باشد که چنین قتالی عبادت است. (نک: طباطبائی، سیدمحمدحسین، میزان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، مؤسسه‌ی الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ق. جلد ۲، صفحه ۶۱)

(در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، قتال کنید و از حدّ تجاوز نکنید که خداوند متجاوزین را دوست نمی‌دارد).

این آیه عموم مسلمین را به دفاع در برابر کفار و مهاجمین دستور داده است. با توجه به اطلاق دستور و عبارت «الَّذِينَ يقاتِلُونَكُمْ»، جهاد دفاعی در برابر هرگونه مهاجم به جبهه اسلام دارای وجوب است و یکی از مصادیق بارز هجوم، هجوم فیزیکی به مرزها و استقلال جامعه اسلامی است. بنابراین آیه مذکور در زمینه‌های مختلف جهاد دفاعی حکم فرموده که اخص آن مواجهه با تهاجم فیزیکی و تلاش کفار برای تجزیه خاک کشور اسلامی است.

۲-۳-۲. آیه ۲۵۱ از سوره البقره

متن و ترجمه آیه

«فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ»

«پس به یاری خدا کافران را شکست دادند و داود علیه السلام امیر آنها جالوت را کشت و خدایش پادشاهی و فرزاندگی عطا فرمود و از آنچه می‌خواست بدو بیاموخت. و اگر خدا برخی مردم را در مقابل بعضی دیگر بر نمی‌انگیخت فساد روی زمین را فرامی‌گرفت، و لکن خدا، خداوند فضل و کرم بر همه اهل عالم است.»

۲-۳-۳. آیه ۴۰ از سوره الحج

متن و ترجمه آیه

«الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَلَوْلا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدِمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيراً وَ لَيُنصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»

«آن مؤمنانی که به ناحق از خانه‌هایشان آواره شده (و جرمی نداشتند) جز آنکه

می‌گفتند: پروردگار ما خدای یکتاست. و اگر خدا (رخصت جنگ ندهد و) دفع شر بعضی از مردم را به بعضی دیگر نکند همانا صومعه‌ها و دیرها و کنش‌ها و مساجدی که در آن (نماز و) ذکر خدا بسیار می‌شود همه خراب و ویران شود. و هر که خدا را یاری کند البته خدا او را یاری خواهد کرد، که خدا را منتهای اقتدار و توانایی است.»

۲-۳-۴. آیه ۱۲۳ سوره التوبه

متن و ترجمه آیه:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»

«ای اهل ایمان، با کافران از آنان که با شما نزدیک‌ترند شروع به جهاد کنید و باید کفار در شما درشتی و نیرومندی و قوت و پایداری حس کنند، و بدانید که خدا همیشه با پرهیزکاران است»

بنا بر این آیه ی شریفه، یکی از اهداف جهاد ابتدایی این است که دشمنان اسلام در سپاه مسلمانان قدرت و قاطعیت ببینند و هیچ‌گاه به فکر حمله و تعرض به آنان نیفتند، بلکه سپاه اسلام را نیرومند و استوار ببینند که با قدرت و اطمینان کامل به میدان جنگ قدم می‌گذارند و در راه خداوند از نثار جان خود دریغ نمی‌ورزند. هدف آنان نشان دادن قدرت اسلام، سرافرازی مسلمانان و شایستگی رهبری مؤمنان است و این هدفها در پرتو حمایت و یاری پروردگار به مؤمنان ارزانی شده است.

۲-۳-۵. آیه شریفه ۱۳ سوره مابکه البقره

متن و ترجمه آیه

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ الظَّالِمِينَ»

«و با کفار جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و دین خدا حاکم باشد و

بس، و اگر (از فتنه) دست کشیدند (با آنها عدالت کنید که) تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست.»

۲-۳-۵-۱. مفهوم آیه شریفه

در این آیه شریفه، امر شده است که مسلمانان جنگ کنند تا فقط احکام و اوامر الهی بر مردم حکمفرما شود و فتنه از میان برود. مقصود این است که کسانی با حيله و تزویر می‌کوشند تا مسلمانان را از دین خود خارج کنند. در چنین شرایطی، فضای جامعه‌ی اسلام به تردید و شبهه آلوده می‌شود، حق و باطل درهم می‌آمیزد و تفکیک آنها برای مسلمانان دشوار می‌شود. در این صورت، باید با عوامل فتنه‌گر جنگید تا حق از باطل تمیز داده شود و عوامل انحراف از میان برود.

۲-۴. دلالت آیات مرتبط با جهاد بر تقابل با مهاجمین به سرزمین اسلامی و

تجزیه‌طلبان

آیات متعدد قرآن کریم پیرامون جهاد، که این امر مقدس را از واجبات عمومی و عینی و از فروع دین و مذهب اسلامی-شیعی قرار داده است، در موارد متعددی به فلسفه جهاد و چرایی اهمیت این امر اشاره نموده است. یکی از دلایل وجوب جهاد برای مسلمین «جلوگیری از سلطه کفار» و «فساد ایشان بر روی زمین» است. مسلمین موظفند علاوه بر جلوگیری از هرگونه تسلط غیرالهی بر خود و سرزمین اسلامی از فساد کفار نیز جلوگیری کنند.

«جهاد دفاعی» که وظیفه دارد با هجوم دشمنان به مسلمین مقابله کند، یک اصل عقلایی بوده و پیش از اسلام نیز رایج بوده است. امروزه نیز تمام قوانین آسمانی و بشری، اصل دفاع از خویش را به رسمیت شناخته‌اند و به فرد یا جمعیتی که مورد هجوم واقع شده، حق می‌دهد که برای دفاع از خویش به پا خیزد و آنچه در قدرت دارد به کار برد و از هرگونه اقدام منطقی برای حفظ موجودیت خویش فرو گذار نکند.

در مورد دفاع از سرزمین‌های اسلامی و کشور مسلمان نیز چه هجوم از خارج از

کشور و توسط کفار باشد و چه شورش از داخل کشور و از سوی ناآگاهان و یا مزدوران کفار صورت پذیرد، جامعه اسلامی موظف است از قدرت، کیان و تمامیت دارالاسلام حفاظت کند و اتفاقاً این قسم جهاد برخلاف جهاد ابتدائی نه تنها حضور امام معصوم را شرط در آغاز آن نمی‌شمرد بلکه همراهی با حاکم جائز و یا تشخیص فرد برای آغاز دفاع را کافی می‌داند. جهاد دفاعی یک ضرورت عقلی است که از مایملک شخصی، اجتماعی و حکومتی اسلامی دفاع می‌کند و در صورتی که گروهی بخواهند با عناوین حقوقی و غیر آن بخش‌هایی از آن را جدا نموده و از دسترس جامعه اسلامی خارج کنند، وظیفه دفاع از دارالاسلام بر عهده عموم جامعه است.

نتیجه مقاله

مجموع آیات نقل شده از کتاب خدا در سه محور «حفظ وحدت و جلوگیری از تسلط کفار»، «مرزبانی و حفظ ثغور مسلمین» و «وجوب قتال با کفار» که مورد ترجمه، تفسیر و بررسی سبب نزول قرار گرفته و در انتها بر موضوع «حفظ تمامیت سرزمینی دارالاسلام» تطبیق داده شد، نشانگر اهمیت حفظ ارکان قدرت مسلمین و به تبع آن حفظ قلمرو اسلام از منظر شارع مقدس است. طبق موازین شرعی کتاب الله حفاظت از تمامیت سرزمینی و دیگر ارکان قدرت آن واجب است. همچنین لازم به توضیح است که سنت معصومان علیهم‌السلام، اجماع مدرکی علماء و مرام عقلا با آیات پیش‌گفته همسو است. وجود روایات صحیحی همچون «حدیث علو»، «حدیث یونس»، «روایات متعدد در ارزش مرزبانی»، «روایات باب‌المجاهدین و ظل‌السیف» و... همگی موید این دیدگاه است، که فقه اسلامی ضمن رسمیت بخشیدن به قلمرو مسلمین، به حفظ و حراست از آن اصرار داشته و این وظیفه را برعهده حاکمیت و آحاد مسلمین قرار داده است.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، قم، دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، ۱۳۷۳ش.
۲. صحیفه کامل سجادیه، ترجمه الهی قمشه‌ای، محی‌الدین، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۳. بحرانی، هاشم‌بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت، واحد تحقیقات اسلامی، ۱۴۱۵ق.
۴. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۷۶.
۵. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر معین، محمد و شهیدی، سیدجعفر، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷.
۷. سیدرضی، محمدین حسین، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات زهد، ۱۳۷۹ش.
۸. عاملی، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، چاپ دوم، قم، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۱۷ق.
۹. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۱.
۱۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ یازدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، به ترجمه محمدباقر ناصری، تهران، انتشارات فراهان، ۱۳۶۰ هـ ش.
۱۲. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن؛ المبسوط فی فقه الامامیه، چاپ سوم، تهران، مکتبه المرتضویه للاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۷۸.
۱۳. عمید زنجانی، عباسعلی و کرمی، حامد، ماهیت سرزمین در فقه امامیه، حقوق اسلامی، شماره ۲۷، ۱۳۸۹.
۱۴. فیض‌کاشانی، محمدین مرتضی، مفاتیح الشرائع، بیروت: مؤسسه الأعلمی، [بی‌تا].
۱۵. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸.
۱۶. قمی، علی ابراهیم بن هاشم قمی، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۳.
۱۷. کاویانی‌راد، مراد، پردازش مفهوم «قلمرو» از دیدگاه جغرافیای سیاسی، برنامه‌ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)، (۴)۱۷، ۴۳-۶۱، ۱۳۹۲.
۱۸. گروتز، یورگ، زیبایی‌شناختی در معماری، ترجمه پاکزاد، جهان‌شاه و همایون، عبدالرضا، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، قم، اسلامیة، ۱۳۸۶.
۲۰. محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۲۱. محقق، محمدباقر، نمونه بیانات در شان نزول آیات، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۳.
۲۳. موسوی بجنوردی، سیدمحمد، قواعد فقهیه، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۷.
۲۴. نفیسی، علی‌اکبر، فرهنگ نفیسی (ناظم‌الاطباء)، تهران، خیام، ۱۳۴۳.